

من نمی‌خواستم جان کسی را بگیرم

به گزارش "[مادران و دختران](#)" به نقل از همشهری آنلاین، این پرونده جنایی از روز دهم آذر سال ۸۹ به جریان افتاد. ساعت ۵ صبح آن روز جسد مردی در حاشیه اتوبان تندگویان پیدا و از همان زمان تحقیقات برای کشف راز این جنایت آغاز شد.

ماموران پلیس در بازرسی از جیب‌های متوفی، کارت ملی او را پیدا کردند که هویت وی را فاش می‌کرد. مقتول مردی بود متولد سال ۵۷ و در همان محدوده‌ای که جسدش پیدا شده بود زندگی می‌کرد. او متاهل بود و یک فرزند دختر داشت که در آن زمان (آذر سال ۸۹) ۷ ساله بود. با این سرخ مأموران به سراغ همسر وی رفتند و زن جوان گفت: شوهرم شب قبل از سرکار به خانه آمد. بعد از دقایقی گفت سیگارش تمام شده است و برای خرید سیگار از خانه بیرون رفت اما دیگر برنگشت. معمولا او از سوپرمارکت نزدیک خانه سیگار می‌خرید و حداکثر نیم ساعته برمی‌گشت اما آن شب رفتن او بازگشتی نداشت و هرچه به موبایلش زنگ می‌زدم پاسخی نمی‌داد. حتی به کلانتری و بیمارستان هم سر زدم اما اثری از او نبود.

با وجود اظهارات زن جوان مأموران به او مشکوک شدند. چرا که متوجه اختلافاتی میان او و شوهرش شده بودند. در این شرایط وی با دستور قاضی جنایی بازداشت و در بازجویی‌ها اسرار قتل شوهرش را فاش کرد. زن جوان گفت: چند وقتی بود که با همسرم دچار اختلافاتی شده بودم. او مردی بداخلاق بود و مرا کتک می‌زد. حتی چندین بار قهر کردم و به خانه پدرم رفتم اما خانواده‌ام طلاق را بد می‌دانستند و ناچار بودم دوباره با شوهرم آشتی کنم و به خانه برگردم.

وی ادامه داد: در نهایت از جوانی به نام مهدی که او را می‌شناختم خواستم شوهرم را گوشمالی بدهد. از او خواستم با ماشین به او بزند تا پاهایش به شدت آسیب ببیند و مدتی در بیمارستان بستری شود. طوری که نتواند از جایش تکان بخورد و محتاج من باشد. اما به جای اینکه در تصادف پایش آسیب ببیند، سرش به شدت با جدول برخورد کرد و این اقدام به قیمت جاننش تمام شد.

با اعتراف این زن، متهم اصلی پرونده بازداشت شد و به قتل اعتراف کرد. وی گفت: ما قرارمان قتل نبود. همسر مقتول گفته بود که با شوهرش اختلاف دارد و از من خواسته بود فقط به او صدمه بزنم. من هم روز حادثه به کمین نشستم و وقتی مقتول رسید با ماشینم به او کوبیدم اما متأسفانه سرش به شدت با جدول برخورد کرد و فوت شد.

محاكمه

متهمان این پرونده پس از مدتی در دادگاه کیفری محاکمه شدند و اولیای دم که پدر و مادر و دختر مقتول بودند خواستار مجازات قاتل شدند.

پس از پایان محاکمه، قضات متهم اصلی را به قصاص و متهم ردیف دوم (همسر مقتول) را به اتهام معاونت در قتل عمدی به زندان محکوم کردند. حکم در دیوان عالی کشور قطعی شده و به [شعبه دوم اجرای احکام](#) فرستاده شد.

آن زمان بود که شمارش معکوس برای قصاص قاتل پرونده شروع شد. در این شرایط تیم صلح و سازش تلاش خود را برای گرفتن رضایت از اولیای دم شروع کردند. تلاشها نتیجه داد و پدر و مادر مقتول چند ماه قبل قاتل پسرشان را به شرط دریافت دیه بخشیدند. اما دختر مقتول همچنان خواستار قصاص پدرش بود.

تیم صلح و سازش دست از تلاش برنداشتند تا اینکه دختر ۱۸ ساله مقتول روز یکشنبه در دادسرا حاضر شد و قاتل پدرش را بخشید. این دختر جوان گفت: تصور اینکه فردی عمدا جان پدرم را گرفت و باعث شد تا من در ۷ سالگی یتیم شوم همیشه آزارم می‌داد. پدرم پشت و پناه من بود و سالهاست که بدون حضور او بزرگ شده‌ام. همیشه جای خالی او را احساس کرده‌ام و همه اینها باعث می‌شد تا حاضر به بخشش قاتلش که حق زندگی را از او گرفته بود نشوم. اما من نمی‌خواستم جان کسی را بگیرم و این مسئله همیشه بخشی از ذهنم را درگیر کرده بود.

وی ادامه داد: از وقتی که پدر بزرگ و مادر بزرگم قاتل پدرم را بخشیده‌اند مدام به این موضوع فکر می‌کردم که من باید چه تصمیمی بگیرم. خیلی سخت است اگر کسی جای من باشد و بخواهد سخت‌ترین تصمیم زندگی‌اش را بگیرد. یک شب با خدا معامله کردم و گفتم به قاتل پدرم زندگی می‌بخشم. این را اضافه کنم که به خاطر رضای خدا و آرامش روح پدرم از قصاص قاتل پدرم گذشت کردم تا این مرد بعد از ۱۱ سال آزاد شود و شب عید را کنار خانواده‌اش باشد و مطمئنم که خدا این نیکی را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. از سوی دیگر شنیده‌ام که مرد زندانی به شدت پشیمان است و در زندان رفتارهای مناسبی داشته است. امیدوارم پس از آزادی هم زندگی درستی را در پیش بگیرد و مرتکب خلاfi نشود.

با بخشش دختر مقتول، مرد اعدامی از مرگ رهایی یافت و دیروز پس از گذشت ۱۱ سال حبس از زندان آزاد شد.